

## چکیده

در این هنگام آیه نازل شد و صفات کامل زنان و مردان مسلمان را بیان کرد: «خدا برای مردان و زنان مسلمان باایمان، مطیع فرمان خدا، راست‌گو، شکیبا، خداترس، انفاق‌کننده، روزه‌دار، پاک‌دامن و آنان که فراوان به یاد خدا بودند، آموزش و پاداشی عظیم فراهم کرده است.» (احزاب/ ۳۵)

خداوند در این آیه ۱۰ صفت از اوصاف کمال را یادآور شده و در آیه پنجم سوره تحریم نیز شمار دیگری از صفات زنان کامل را بیان فرموده است: «زنان مسلمان، مؤمن، متواضع و مطیع، توبه‌کننده، عبادت‌کننده خداوند و مهاجر الی الله.» (تحریم/ ۵)

همچنین در آیه ۳۴ سوره نساء صفات دیگری برای زنان کامل ذکر شده است: «زنان صالح، مطیع، و آنان که خواسته خدا را در غیاب (همسر خود) حفظ می‌کنند.» (نساء/ ۳۴)

قرآن کریم در آیات یاد شده، سیمای مردان و زنان کامل را ترسیم کرده است. با توجه به این آیات درمی‌یابیم که زن از نظر پیمودن مدارج عالی کمالات انسانی و اخلاقی با مرد در یک صف واحد قرار دارد.

قرآن کریم نه تنها تفاوتی بین زن و مرد از نظر رسیدن به کمالات معنوی و انسانی قائل نیست بلکه برای رشد و تعالی زنان، الگو و اسوه نیز معرفی می‌کند. قرآن کریم با ذکر مصادیقی چون فاطمه (س)، مریم، آسیه که در حقیقت تربیت شده مکتب الهی هستند و با اطاعت از اوامر الهی، به قرب حق تعالی رسیده‌اند، به زنان می‌آموزد که با پیروی از این اسوه‌های فضیلت می‌توانند توانایی‌ها و استعدادها بالقوه خود را شکوفا سازند و به کمال واقعی برسند.

## تساوی زن و مرد

از جمله مسائلی که در قرآن کریم مطرح شده، موضوع خلقت زن و مرد است. قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان از سرشتی همانند سرشت مردان آفریده‌ایم.

در قرآن از آنچه در بعضی از کتب هست (مثلاً اینکه زن از مایه‌ای پست‌تر از مایه مرد آفریده شده است و یا اینکه به زن جنبه طفیلی و چپی داده‌اند و گفته‌اند که همسر آدم اول عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده است) اثر و خبری نیست. بنابراین، در قرآن نظریه

زن در قرآن کریم از مقام والایی برخوردار است. قرآن نه تنها تفاوتی بین زن و مرد از نظر رسیدن به کمالات انسانی و پیمودن مدارج عالی اخلاقی قائل نیست بلکه زن را مانند مرد برخوردار از روح کامل انسانی و اراده و اختیار می‌داند. حتی برای رشد و تعالی زنان، اسوه و الگو نیز معرفی کرده است.

در این مقاله به معرفی چهره‌های درخشانی از این اسوه‌های قرآنی پرداخته شده و شخصیت ملکوتی حضرت زهرا (س) به عنوان اسوه کامل قرآن و برجسته‌ترین الگو معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مقام زن، تساوی زن و مرد، مفهوم اسوه، زنان اسوه در قرآن کریم

## سر آغاز

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر بن ابی طالب، از نخستین زنان مهاجر اسلام بود. او زمانی که از «حبشه» برگشت، نزد همسران پیامبر (ص) رفت و سؤال کرد: «آیا در قرآن آیه‌ای در فضیلت زنان آمده است؟»

همسران پیامبر (ص) پاسخ دادند نه. اسماء ناراحت شد و به خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: «یا رسول خدا، جنس زن گرفتار زیان است.»

رسول خدا (ص) پرسید چرا؟ و اسماء گفت: «در قرآن فضیلتی همانند مردان برای زنان نیامده است.»

## زنان اسوه در قرآن

زهرا سلامی فرد

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

تحقیر آمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد.

از جمله آیاتی که در قرآن بیانگر سرشت واحد زن و مرد است، آیه اول سوره نساء است: «من تمام افراد بشر را از یک جفت زن و مرد آفریدم. در اولین مرتبه یک نفر انسان خلق کردم و از جنس وی جفت او را آفریدم و سایر انسانها را از طریق توالد روی زمین منتشر کردم...» (نساء/ ۱)

یکی دیگر از نگرش‌های تحقیر آمیزی که نسبت به زن وجود داشته، این است که زن عنصر گناه شمرده می‌شد و می‌گفتند شیطان حوا را فریفت و حوا آدم را و این چنین بود که آدم از بهشت سعادت بیرون رانده شد. اما قرآن آنجا که داستان بهشت آدم را مطرح کرده، هرگز نگفته است که مسئول خارج شدن آدم از بهشت حواست. او را هم از حساب خارج نمی‌کند بلکه آنجا که صحبت از وسوسه شیطانی به میان می‌آید، ضمیرها را به شکل تنبیه می‌آورد و هر دو را شریک این جرم می‌داند: «شیطان آن دو را وسوسه کرد. شیطان آن دو را به فریب خوردگی راهنمایی کرد. شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که خیر آن‌ها را می‌خواهد.» (اعراف/ ۲۲-۲۰)

یکی دیگر از دیدگاه‌های تحقیر آمیز نسبت به زن، مربوط به استعداد های روحانی و معنوی زن است که می‌گفتند زن به بهشت نمی‌رود و مقامات الهی و معنوی را نمی‌تواند طی کند. قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی به زن یا مرد بودن مربوط نیست بلکه به ایمان و عمل فرد مربوط است.

همچنین در آیاتی دیگر، وعده برخورداری از سعادت کامل به هر دو جنس داده و فرموده است که مرد و زن می‌توانند با اطاعت از احکام و فرمان‌های الهی، به تکامل مادی و معنوی و حیاتی پاکیزه برسند: «هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به‌جای آرد، ما او را در زندگانی خوش و باسعادت، زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار نیکوتر از عمل نیکی که کرده است، به او عطا می‌کنیم.» (نحل/ ۹۵)

قرآن کریم گاه بدون در نظر داشتن جنسیت، مرد و زن را با عبارتهای «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» مخاطب قرار داده و برنامه‌های تربیتی و اجتماعی را بر هر دو لازم دانسته است. گاه نیز زن را به صراحت در کنار مرد قرار داده است:

«هر کسی که ایمان داشته باشد و عمل صالحی انجام دهد، مرد باشد یا زن، داخل بهشت می‌شود.

نساء/ ۱۲۴

«مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره می‌برند و زنان (نیز) از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌مند می‌شوند. نساء/ ۷»

بنابراین، از نظر جنبه‌های انسانی و کمالات معنوی هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد؛ نه جنس مرد عامل پیشرفت است و نه جنس زن مانع آن. حال اگر در مسائل حقوقی تفاوت‌هایی بین زن و مرد دیده می‌شود، هر کدام دلیل خاصی دارد و به موقعیت اجتماعی و شرایط طبیعی برمی‌گردد.

### اشاره‌ای به مفهوم اسوه

در علوم تربیتی و اجتماعی برای ارائه «شخص کامل» یا یک «رفتار متکامل»، از واژه‌ها و عناوین اسوه، الگو، قدوه، سرمشق، نمونه، مدل، ملاک، مصداق و... استفاده می‌شود. قرآن کریم برای نشان دادن «شخصیت کامل»، پیامبر (ص) و ضرورت پیروی از آن حضرت، واژه «اسوه» را به کار برده است و می‌فرماید: «تحقیقاً رسول خدا برای شما اسوه و مقتدای بسیار نیکویی است.» (احزاب/ ۲۱)

برای نشان دادن رفتار متکامل نیز، قرآن کریم در دو مورد رفتار توحیدی ابراهیم خلیل و یاران مجاهد و فداکار او را توصیه می‌کند و می‌فرماید: «مسلمانان ابراهیم و آنان که با او بودند برای شما اسوه و مقتدایی نیکو می‌باشند.» (ممتحنه/ ۴ و ۶)

فرهنگ‌های لغت، واژه‌الگو را به معنی نمونه، و شکل چیزی که از کاغذ یا مقوا بریده باشند، مثل الگوی لباس، معرفی کرده‌اند اما در علوم انسانی الگو به معنی نمونه عینی یک طرح، یک اندیشه، یا مکتب به کار می‌رود.

الگوخواهی و الگوپذیری از نیازهای فطری افراد بشر است اما هر کس و هر چیزی نمی‌تواند الگویی شایسته واقع شود؛ مگر الگوهایی که اصالت و لیاقت دارند و بر اساس ارزش‌های معنوی استوارند، نه الگوهایی که مبتنی بر ارزش‌های مادی هستند و اصالت ندارند. اصولاً الگوهایی که به‌خاطر ارزش‌های معنوی‌شان مطرح‌اند، در طول تاریخ، جاودانگی می‌یابند.

قرآن کریم برخی از این الگوها و اسوه‌ها را معرفی می‌کند و متابعت و سرمشق‌گیری از آن‌ها را برای افراد جامعه لازم می‌شمارد.



**قرآن کریم برای نشان دادن شخصیت کامل، پیامبر (ص) و ضرورت پیروی از آن حضرت، واژه «اسوه» را به کار برده است و می‌فرماید: «تحقیقاً رسول خدا برای شما اسوه و مقتدای بسیار نیکویی است»**



**شاید خداوند دامان  
آسیه پاک و باایمان  
را برای پرورش  
پیامبری چون  
موسی (ع) قرار  
داده بود و شاید او  
مأمور الهی بود که  
محبت موسی را در  
دل بگیرد**

## زنان اسوه در بینش قرآنی

روشن است که الفاظ به‌تنهایی قادر به بیان عمق و گستردگی درجات بالای کمال نیستند. از این‌رو، قرآن کریم برای تعیین مصداق کمالات والای انسانی و امکان پیروی عملی، زنانی را که به درجات معنوی و کمالات روحی دست یافته‌اند، به‌عنوان «اسوه» معرفی کرده است. در ادامه، یک یا چند صفت از اوصاف زنان کامل را که چهره و شخصیتی درخشان دارند و در قرآن به‌عنوان «اسوه» از آنان یاد شده است، معرفی می‌کنیم.

### آسیه (همسر فرعون) اسوه ایمان «مؤمنات»

آسیه در قرآن به‌عنوان الگویی کامل در مقام ایمان معرفی شده است. ایمان و یکتاپرستی او چندان عمیق بود که جا داشت همراه این کتاب جاوید و در طول قرون و اعصار، برای همیشه زنده بماند. او نمونه کامل «مؤمنات» است و در قرآن به‌عنوان الگوی مردان و زنان مؤمن معرفی شده است: «خداوند برای مؤمنان زن فرعون را مثال زده است.» (تحریم/ ۱۱)

برای پی بردن به ارزش ایمان این زن موقعیت او را بررسی می‌کنیم. آسیه همسر فرعون، ملکه مصر، از بنی‌اسرائیل و از بزرگ‌زادگان مصر بود. او در کاخ فرعون در اوج عزت و احترام می‌زیست و همه‌گونه امکانات رفاهی و تجملات زندگی برایش فراهم بود. هر چه می‌خواست و اراده می‌کرد برایش حاضر می‌کردند. او می‌توانست در محیط زندگی خویش چنان در زر و زیور و خوش‌گذرانی‌های اشرافی غوطه‌ور شود که از خدا و همه ارزش‌های انسانی غافل گردد. همسرش، فرعون، سیطره قدرت و ستم خود را نه‌تنها بر سرزمین مصر و مستعمرات آن، بلکه در محیط کاخ خود نیز گسترده بود و او به‌خوبی از قدرت شوهر جبار خویش آگاه بود.

آسیه نزدیک به سی سال در محیط خفقان‌آور کاخ فرعون می‌زیست اما آن محیط وسوسه‌انگیز و آن قدرت رعب‌آور هرگز نتوانست او را در مسیر ضدخدایی فرعون پیش ببرد بلکه برعکس، او سر به آستان خدای یکتا می‌نهاد و پنهانی خدای یگانه را می‌پرستید در حالی که همه مردم تحت سلطه

فرعون، چه از روی میل یا با کراهت در پیشگاه فرعون پیشانی مذلت بر خاک می‌ساییدند.

آسیه بچه‌دار نشده بود. شاید خداوند دامان این زن پاک و باایمان را برای پرورش پیامبری چون موسی (ع) قرار داده بود و شاید او مأمور الهی بود که محبت موسی را در دل بگیرد و در مقابل فرعون، که دستور قتل موسی (ع) را داده بود، بایستد و نگذارد که موسی (ع) به‌دست فرعون به قتل برسد.

وقتی مأموران فرعون صندوق حاوی موسی (ع) را در کنار رود یافتند و نزد فرعون آوردند او از علائم دریافت که کودک متعلق به بنی‌اسرائیل است و چون تمام نیروهای خود را برای کشتن پسران بنی‌اسرائیل بسیج کرده بود، بی‌درنگ فرمان داد که کودک را بکشند. اما آسیه با هوشمندی درهایی از امید و آرزو را به روی فرعون گشود و او را متقاعد کرد که چشم از قتل آن کودک فروبندد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «همسر فرعون گفت: این کودک نور چشم من و توست. او را نکشید شاید سودی به ما برساند یا او را به فرزندی خویش برگزینیم.» (قصص/ ۹)

آن کودک با اجازه فرعون در دربار مصر ماندگار شد و تحت مراقبت آسیه و در دامان پرمهر و محبت او رشد کرد. هنگامی که موسی به مقام نبوت رسید، آسیه به او و آیینش ایمان آورد ولی ایمانش را از فرعون پنهان داشت. او سال‌ها خداوند یکتا را پرستش کرد اما سرانجام رازش فاش شد و فرعون ستمگر سخت برآشفته. ابتدا سعی کرد آسیه را از ایمان به خدا بازدارد و برای رسیدن به این منظور، به هر وسیله‌ای متوسل شد. زمانی او را تهدید می‌کرد و گاهی با وعده‌های دلفریب و شیرین، او را دلگرم می‌ساخت.

اما نه تهدیدها سودی بخشید و نه وعده‌ها؛ زیرا آسیه دل به خدا داده بود و جز ایمان به خدای یکتا و آنچه موسی می‌گفت، چیز دیگری نمی‌شناخت. از فرعون هم ترسی به دل راه نمی‌داد و از ملکه مصر و همسر فرعون ستمگر بودن راضی نبود. او فقط به یک چیز می‌اندیشید: به هدایت فرعون و اینکه او نیز به خدای حقیقی ایمان آورد و دست از ظلم و ستم و تباه ساختن مردم محروم و بی‌پناه بردارد. ولی فرعون کسی بود که دعوی خدایی می‌کرد و محال بود به فرمان موسی گردن

نهد و از مسند ادعای خدایی پایین آید. فرعون در نهایت آسیه را میان ایمان به خدا و اطاعت از خود آزاد گذاشت تا یکی از آنها را برگزیند. آسیه ایمان به خدا و پیروی از آیین موسی را برگزید و از اعتقاد خود دست برداشت. فرعون که نتوانست آسیه را تسلیم خواسته خود کند، دستور داد دست و پای این زن وارسته و باایمان را به زمین میخکوب کنند. او را در آفتاب سوزان قرار دادند و سنگی بزرگ بر سینه‌اش نهادند. آسیه در آخرین لحظات عمر با خدا راز و نیاز می‌کرد. قرآن سخن و دعای او را چنین بیان می‌کند: «هنگامی که گفت: پروردگارا، برای من نزد خویش خانه‌ای در بهشت بنا کن و از فرعون و کارهایش و قوم ستمگر نجاتم بخش.» (تحریم/ ۱۱)

دعای او دعای زنی است که تحت لوای یک اعتقاد صحیح و ایمان به خدای یگانه راه راست را شناخت، از هر چه غیر خدایی و ضد خدایی است، برید و به هر چه در سوی خداست، پیوست. او از لذات و تجملات زندگی مادی چشم پوشید و بودن در جوار پروردگار خود را آرزو می‌کرد. خداوند نیز به مؤمنین او را «اسوه ایمان» معرفی کرد.

### حضرت مریم (س) (مادر عیسی (ع)) اسوه عفاف و پاک‌دامنی «فائزات» و «صادقات»

حضرت مریم (س)، دختر عمران و مادر حضرت عیسی (ع)، در قرآن کریم به‌عنوان اسوه عفاف و پاک‌دامنی معرفی شده است: «خداوند برای مؤمنان زن فرعون را مثل آورد... و مریم دختر عمران را که پاک‌دامن بود. پس ما از روح قدسی خود در او دمیدیم و او به کلمات پروردگار و کتب آسمانی ایمان آورد و تصدیق کرد و از قانتین به‌شمار می‌رود» (تحریم/ ۱۲).

همسانی زن و مرد در مقام عبادت چیزی است که در آیین اسلام بر آن تأکید شده است. یعنی زن در درک کمالات معنوی عیناً چون مرد تواناست تا به هر افقی که می‌خواهد، پیش برود. این موضوع در قرآن در داستان حضرت مریم (س) به‌وضوح تأیید شده است. قرآن کریم در ۳۴ مورد نام حضرت مریم را تکرار می‌کند و فضایل بسیاری برای او برمی‌شمارد. طبق آیات قرآن در

«سوره آل عمران» (۴۵-۴۴)، فرشتگان با مریم سخن می‌گفتند. او را از جانب خدای تعالی به مقام پاکی و برگزیدگی بر زنان جهان مفتخر کردند و به ولادت «کلمة الله» حضرت مسیح بشارت دادند. طبق آیات سوره مریم، جبرئیل به‌صورت بشری بر او نازل شد و خود را به او معرفی کرد تا پسری پاکیزه به وی ببخشد. در آیه‌ای از «سوره مائده»، او را به «صدیقه» ملقب فرموده، و در «سوره مؤمنون»، مریم را به‌عنوان «آیت» خدا معرفی کرده، و بالاخره در «سوره انبیا»، ضمن توصیف مریم به عفت و پاکی، نام او را در شمار پیغمبران خود ذکر کرده است.

کلینی این روایت را از امام صادق (ع) در «کافی» نقل کرده است: مریم (س) از نظر عفت و پاکی در مرتبه‌ای است که در روز قیامت، خدای تعالی او را برای زنان نمونه و حجت قرار می‌دهد و به‌وسیله او بر سایرین احتجاج می‌کند. مریم با نظر مادرش به معبد سپرده شد. او تحت تکفل زکریای پیامبر (ع) قرار گرفت و به عبادت خدای یکتا پرداخت. زکریا نهایت سعی خود را در نگهداری این مولود فرخنده مبذول می‌داشت. مریم رفته‌رفته بزرگ می‌شد و زکریا از اینکه سرپرستی او را به عهده داشت، بسیار خرسند بود. او تحت سرپرستی زکریا بزرگ شد و چنان غرق در عبادت و بندگی خدا بود که به گفته ابن عباس (یکی از مفسران بزرگ صدر اسلام)، هنگامی که نه ساله شد، روزها روزه می‌گرفت و شب‌ها را به عبادت می‌پرداخت و آنچنان در پرهیزکاری و معرفت و شناسایی پروردگار پیش رفت که از احبار و دانشمندان پارسای زمان خود پیشی گرفت.

روزی که زکریا به محل عبادت مریم وارد شد، چیزی عجیب مشاهده کرد. او در محراب مریم غذاهای مخصوصی را دید و چون به‌جز زکریا کسی دیگر به اتاق مریم وارد نمی‌شد، تعجب کرد که آن غذاها چگونه نزد مریم آورده شده است. لذا به مریم گفت: «ای مریم، این طعام هیچ شباهتی به غذاهای این دنیا ندارد. این غذا از کجا پیش تو می‌آید؟» آل عمران/ ۳۷

مریم گفت: این از نزد پروردگار من است و خداوند به هر که اراده کند، بدون وسیله و اسباب روزی می‌رساند. (پیشین)

به‌هر حال او چنان در تزکیه نفس و پرستش



**مریم (س) از نظر عفت و پاکی در مرتبه‌ای است که در روز قیامت، خدای تعالی او را برای زنان نمونه و حجت قرار می‌دهد و به‌وسیله او بر سایرین احتجاج می‌کند**

مریم با شنیدن این سخنان آرامش یافت و اطمینان خاطری پیدا کرد. در عین حال، به فکر فرو رفت که چگونه ممکن است فرزندی داشته باشم، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته است. به این ترتیب، مریم به طرز اسرارآمیزی و برخلاف موازین جاری طبیعی فقط با اراده و خواست خداوند باردار شد؛ امری که معجزه و بر اساس اراده خداوند بود. زیرا اراده خداوند بالاتر از موازین طبیعی و قوانین علمی و محاسبات بشری است.

مریم عذرا زنی است که به دلیل داشتن دامنی پاک و روحی منزه و اندیشه‌ای تابناک، شایستگی می‌یابد که مادر طفلی چون عیسی (ع) شود و وجود عیسی (ع) یکی از تجلیات کمال روحانی مریم مقدس است. این شمه‌ای از مقام حیرت‌انگیز مریم بود. او الگو و اسوه پاک‌دامنی، ایمان، صدق و خضوع در برابر پروردگار عالم است.

### مادر مریم، اسوه «صادقات»

حَنَّة، همسر عمران، مادر مریم (س) است. او نذر کرد که اگر خداوند به او فرزندی عطا کند، او را به خدمتگزاری بیت‌المقدس بگمارد: «وقتی همسر عمران گفت: خدایا، آنچه را در رحم دارم برای تو نذر کردم. از من بپذیر که تو شنوا و دانایی.» (آل عمران / ۳۵)

این نذر حنه بیانگر آن است که قلب او سرشار از ایمان به خدا، صداقت، اخلاق و پاکی نسبت به خدا بود که عزیزترین کس و یگانه فرزند خود را برای خدا نذر کرد. خداوند نیز مریم مقدس را به او بخشید. او را به خوبی پذیرفت و چون شکوفه‌ای پرورش داد. خداوند می‌فرماید: وقتی مریم به دنیا آمد، مادرش گفت: «خدایا من این دختر و ذریه‌اش را به تو پناه دادم. خدا هم آن را به نیکی پذیرفت.» (آل عمران / ۳)

### مادر موسی، اسوه تسلیم «مسلمات»

یوکابد، مادر موسی (ع)، اسوه تسلیم در برابر فرمان پروردگار بود؛ به گونه‌ای که فرزند دلبندهش را به فرمان خدا به دریا افکند. زمانی که موسی (ع) متولد شد، مادرش از مزاحمت مأموران فرعون هراسان شد. در آن هنگام، خداوند به مادر موسی الهام کرد که او را در صندوقچه‌ای قرار دهد و در رود «نیل» بیندازد: «به مادر

خدای یکتا اوج گرفته بود که شایسته دریافت مائده آسمانی شده بود. یکی از روزها که مریم طبق عادت مألوف در محراب مشغول عبادت بود، فرشتگان نزد او آمدند و با او سخن گفتند: «هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم خدا تو را برگزیده، پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است.» (آل عمران / ۴۲)

فرشتگان پس از این بشارت که خداوند او را بر زنان عالم برگزیده، دیگر بار با مریم سخن گفتند که به شکرانه این لطف الهی، اکنون در برابر پروردگار خضوع کن و سجده و رکوع به جای آور: «ای مریم با شکرانه این نعمت، برای پروردگار خود خضوع کن، سجده به جا بیاور و رکوع نما.» (آل عمران / ۴۳)

«قنوت» به معنای طاعت توأم با خضوع است. مریم آن چنان به دعا و نماز می‌پرداخت و رکوع و سجود و قیام را طولانی می‌کرد که به حق «اسوه قانتات» (مطیع فرمان خدا) بود. دیگر بار فرشتگان بر مریم نازل شدند و گفتند: «ای مریم، خدا تو را بشارت می‌دهد به فرزندی که نامش عیسی است و در دنیا و آخرت آبرومند خواهد بود و از مقربان الهی خواهد شد.»

پس از این بشارت، روزی که مریم بر حسب عادت همیشگی به عبادت خدا مشغول بود، فرشته‌ای از آسمان به صورت جوانی زیبا و خوش قامت به سوی او آمد. او فرشته بزرگ الهی، جبرائیل امین بود. پیش مریم آمده بود تا به فرمان الهی روح عیسی (ع) را در او بدمد.

مریم، که تا آن زمان در کمال عفت و پاک‌دامنی زندگی کرده و شب و روز خود را به عبادت خدا سپری نموده بود، از دیدن این جوان دچار اضطراب و وحشت شد و از او خواست بی‌درنگ دور شود. این جریان در «سوره مریم» چنین بیان شده است: «در این کتاب مریم را یاد کن، آن دم که از خاندان خود کناره گرفت و در ناحیه شرقی استقرار یافت. در مقابل آنان پرده‌ای آویخت. ما جبرئیل را نزد او فرستادیم، و چون آدمی عادی بر او ظاهر شد. گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم، اگر پرهیزکار باشی.» (مریم / ۱۶، ۱۷ و ۱۸)

فرشته الهی به مریم گفت: «من فرستاده پروردگار تو هستم تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم.» (مریم / ۱۹)



**یوکابد، مادر موسی (ع)، اسوه تسلیم در برابر فرمان پروردگار بود؛ به گونه‌ای که فرزند دلبندهش را به فرمان خدا به دریا افکند**



**صفورا الگوی حیا،  
بهترین مشاور،  
بهترین همکار پدر  
و دارای حسن  
انتخاب است. او به  
پدر پیشنهاد کرد:  
«موسی را استخدام  
کن، چرا که بهترین  
کسی است که  
می توانی اجیر کنی.  
او قوی و امین  
است.»**

موسی (ع) به دختران شعیب کمک کرد و به گوسفندانشان آب داد.

صفور ماجرا را برای پدر گفت. پدر صفورا او را به دنبال موسی فرستاد. او با حجب و حیایی که داشت، پیش موسی رفت و اظهار کرد: «پدرم تو را دعوت کرده است تا پاداش خدمت را بدهد. بدین گونه پیام پدر را به موسی ابلاغ کرد: «پس یکی از آن دو (دختر) در حالی که با حیا حرکت می کرد، نزد موسی آمد و گفت: پدرم تو را می طلبد تا به پاس آب دادن به گوسفندانمان تو را پاداش دهد.» (قصص / ۲۵)

صفورا الگوی حیا، بهترین مشاور، بهترین همکار پدر و دارای حسن انتخاب است. او به پدر پیشنهاد کرد: «موسی را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که می توانی اجیر کنی. او قوی و امین است.»

شعیب پیامبر از پیشنهاد

دخترش استقبال کرد و موسی را استخدام کرد. پس از آن هرچه می گذشت، سجایای اخلاقی و کمالات روحی موسی بیشتر آشکار می شد. شعیب پیامبر صفورا را به ازدواج موسی درآورد و بدین گونه، صفورا با اصالت دادن به ارزش های والای انسانی و کمالات معنوی موسی و بی توجه به امتیازات مادی، یکی از پیامبران اولوالعزم را به همسری انتخاب و با این انتخاب، سعادت ابدی خود را فرتوت شده بود. موسی (ع) به واسطه اتفاقاتی که در مصر برایش پیش آمد و تحت تعقیب بود، به مدین مهاجرت کرد. او هنگام ورود به مدین به سر چاهی رسید که شبانان و گله داران در آن ساعت اطراف آن گرد می آمدند تا گوسفندان و چهارپایان خود را سیراب کنند. حضرت

موسی وحی کردیم که او را شیر بده، و چون بر جانش بیمناک شدی، او را به دریا بینداز، نترس و غمگین مشو که ما او را به تو بازمی گردانیم و در مسلک پیامبران درمی آوریم.» (قصص / ۷) او نیز تسلیم فرمان خدا شد و موسی را روی رود نیل رها کرد و با توکل به خدا، منتظر سرنوشت فرزند دلیندش شد. خداوند نیز این زن مؤمن را یاری کرد و خیلی زود، فرزندش را به او برگرداند. خداوند موسی را به کاخ فرعون برد و با دست خود آن ها او را به دامن مادرش برگرداند: ما او را به مادرش برگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند که وعده الهی حق است ولی بیشتر آنان نمی دانند (قصص / ۱۳)

## همسر موسی، اسوه حیا و حسن انتخاب

### همسر

صفورا، همسر موسی، دختر شعیب پیامبر (ع) بود؛ پیغمبر مردم «مدین»، شهری که در جنوب شام و شمال حجاز بود. داستان تزویج موسی (ع) با صفورا در سوره قصص ذکر شده است. بعضی ویژگی های این زن، که در این آیات جلب توجه می کنند عبارت اند از:

۱. حیا و آزر: که یکی از صفات بسیار پسندیده به ویژه برای زنان به شمار می رود؛ صفتی که لازمه روح خداپرستی و ایمان نیز هست. (قصص / ۲۵)

۲. حسن انتخاب همسر: صفورا در انتخاب همسر به ارزش های معنوی تکیه می کند؛ ارزش هایی که موجب استحکام زندگی زناشویی و مانع از هم گسیختگی روابط خانوادگی می شوند. (قصص / ۲۶)

صفورا و خواهرش، لیا، هر روز گوسفندان پدر را به چرا می بردند؛ چون پدرشان پیر و فرتوت شده بود. موسی (ع) به واسطه اتفاقاتی که در مصر برایش پیش آمد و تحت تعقیب بود، به مدین مهاجرت کرد. او هنگام ورود به مدین به سر چاهی رسید که شبانان و گله داران در آن ساعت اطراف آن گرد می آمدند تا گوسفندان و چهارپایان خود را سیراب کنند. حضرت